



بانوی محله شهید قربانی از تجربه ۲۰ ساله اش
 در بازآفرینی دورریزها در دنیای هنرمی گوید

هنر دوباره دیدن با چاشنی خلاقیت

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

بازسازی خانه تخریب شده در محله شهید قربانی
 یاری خیران را می طلبد

آرزوهای مدفون زیرآوار

۶



گزارشی از پیاده‌روهایی فرسوده خیابانی پرتردد
 در محله بهمن که عبور را برای شهروندان دشوار کرده است

۲

ناهمواری چراغچی ۹
 زیر پای شهروندان

درباره طرحی که برای تأمین کیف و نوشت افزار
 دانش‌آموزان نیازمند محله در حال اجراست
 همدلی اهالی رده برای «آینده‌سازان»

۷

دلیل تردد در این محدوده زیاد است. عرض پیاده روی به حدود سه متر می‌رسد. اما جای سالم و مناسبی برای رفت و آمد وجود ندارد.

● ○ احتمال خطر تصادف برای عابران

او خاطره‌ای از همین وضعیت تعریف می‌کند: چندی قبل مادری را دیدم که به دلیل خرابی پیاده روی، مجبور شد کالسکه فرزندش را از مسیر پیاده روی خارج کند و وارد آسفالت شود. کمی آن طرف‌تر، متأسفانه آینه یکی از خودروهای عبوری به آرنج این خانم برخورد کرد و دستش آسیب جدی دید.

دو آتیشه ادامه می‌دهد: این مشکل بیشتر از پنج سال است که وجود دارد. شهرداری برای نظارت بر ساخت و سازها خیلی زود اقدام می‌کند، اما وقتی قرار است خدماتی به شهروندان ارائه شود، کار زمان‌بر می‌شود یا اصلاً توجهی به این موضوع نمی‌شود.

● ○ پیاده‌روهای دکوری و بدون استفاده

علی قربانی، یکی از فعالان فرهنگی محله، درباره وضعیت خیابان شهید چراغچی ۹ می‌گوید این معبر به دلیل قرار گرفتن در مسیر ارتباطی دوسوی صد متری، نقش مهمی در رفت و آمد اهالی دارد. به گفته او، در انتهای این خیابان و روی کال، یک پل عابر پیاده قرار گرفته است و همین موضوع باعث شده شهروندان دو طرف برای تردد از چراغچی ۹ استفاده کنند.

او ادامه می‌دهد: یکی از مشکلات مهم این خیابان، وضعیت نامناسب پیاده‌روهاست. در این مسیر چند جانباز و شهروند دارای معلولیت حرکتی زندگی می‌کنند که برای رفت و آمد از ویلچر یا واکر استفاده می‌کنند. خرابی و ناهمواری پیاده‌روها برای این افراد مشکلی جدی است و عبور و مرورشان را با دشواری همراه کرده است.

قربانی به بخش دیگری از خیابان اشاره می‌کند و می‌گوید: همان‌طور که می‌بینید، در سمت چپ خیابان، ساختمانی متعلق به سازمان آب وجود دارد که بخش قابل توجهی از پیاده‌رو آن خاکی است. این قسمت به دلیل وضعیت نامناسب، کمتر مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرد و به محلی برای تجمع معتادان و ریختن زباله و ایجاد آلودگی تبدیل شده است.

اگر این مسیر آسفالت یا موزاییک شود، می‌تواند دوباره به یک مسیر مناسب برای تردد اهالی تبدیل شود.

شهردار محله برای پاسخ مسئول این هفته به سراغ معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۳ خواهد رفت و نتیجه این پیگیری در هفته‌های پیش رو منتشر خواهد شد.



● ○ پیاده‌روی سخت در پیاده‌روهای ناهموار

سال‌ها زندگی در این کوچه باعث شده است محمد دو آتیشه تغییرات و مشکلات مسیر را از نزدیک دنبال کند. او می‌گوید آنچه امروز بیش از همه به چشم می‌آید، پستی و بلندی معبر و پیاده‌روهایی است که برای برخی شهروندان، به ویژه سالمندان، عبور از خیابان را دشوار کرده است.

او که سابقه ۲۲ سال سکونت در این معبر را دارد، درباره وضعیت نامناسب پیاده‌رو می‌گوید: تا دلتان بخواد این کوچه پستی و بلندی دارد و متأسفانه شهروندان، به خصوص افراد سالخورده، نمی‌توانند به راحتی از این مسیر عبور کنند. پیاده‌رو هم در بخش‌هایی خاکی است و موزاییک ندارد.

در حالی که به فروشگاه‌های حاشیه خیابان اشاره می‌کند، ادامه می‌دهد: همان‌طور که می‌بینید، شهروندان هر روز برای خرید مایحتاج زندگی‌شان به فروشگاه‌های این مسیر مراجعه می‌کنند و به همین

گزارشی از پیاده‌روهای فرسوده خیابانی پرتدد در محله بهمن که عبور را برای شهروندان دشوار کرده است

ناهمواری چراغچی ۹ زیر پای شهروندان

محمد رضا فیضی | خیابان شهید چراغچی ۹ در محله بهمن را که قدم می‌زنید، شاید در نگاه اول یک معبر معمولی در میان خانه‌ها و مغازه‌های محله به نظر برسد؛ اما کمی که دقت کنید، ردپای سال‌هایی توجهی را می‌توان روی پیاده‌روهایش دید: موزاییک‌های شکسته، بخش‌های خاکی، ریشه درختانی که از زمین سر درآورده‌اند و ناهمواری‌هایی که عبور را برای بعضی شهروندان دشوار کرده است.

این خیابان راه ارتباطی دوسوی صد متری است و روزانه شهروندان بسیاری برای خرید و انجام کارهای روزمره از آن عبور می‌کنند. در میان این رفت و آمد، سالمندان، مادران همراه کالسکه و شهروندان دارای معلولیت نیز سهمی از این مسیر دارند؛ شهروندانی که برای عبور ایمن، بیش از دیگران به یک پیاده‌رو مناسب و قابل استفاده نیاز دارند.

هم قدم

۳

تا دلتان بفواهد این کوچه پستی و بلندی دارد و متأسفانه شهروندان، به خصوص افراد سالخورده، نمی‌توانند به راحتی از این مسیر عبور کنند

“

تلاش شهرداری برای حذف جوندگان مزاحم

ماه پیش، بیش از هزار و ۳۵۰ مورد طعمه‌گذاری برای کنترل جوندگان موذی در معابر، جوی‌ها، کانال‌ها و فضاهای سبز منطقه ۳ انجام شد. این طرح در کانون‌های تجمع موش‌ها همچون اطراف سیلوی گندم، راه آهن و... با هدف حفظ بهداشت و آرامش محیط شهری اجرا شد.

مهر، باشاخه‌های سبزتر می‌رسد

اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ هزار و ۵۵۸ اصله سرشاخه خشک از فضای سبز را حذف و جمع‌آوری کرد. همچنین ۸۹ اصله درخت خشک و خطرآفرین حذف و نواقص ۱۳۸ دستگاه بلمبان پارکی و ۱۸۷ مورد تجهیزات روشنایی برطرف شد. این اقدامات در آستانه بازگشایی مدارس انجام گرفت.

آماده‌برای روزهای پریماه‌های مدرسه

طرح، لب‌خند مهر از ۱۷ تا ۲۳ شهریور ماه در مدارس و محدوده پیرامونی آن‌ها اجرا شد. در این طرح، ۵ هزار و ۲۰۰ مترمربع از مدارس شست و شو و ۱۳۰ هزار و ۵۰۰ مترمربع از اراضی بایر اطراف مدارس پاک‌سازی شد. همچنین پانزده تن خاک و نخاله جمع‌آوری و هزار و ۴۹۰ مترمربع تبلیغات غیرمجاز از مسیرهای منتهی به مدارس پاک‌سازی و حذف شد.

شهر خبر

۳

کلاس‌های مهارت زندگی ویژه مادران و دختران در محله دروی برگزار شد

از انتخاب همسر تا ساختن یک خانواده موفق

محمد رضا فیضی | ایگاه بسیج شهید محمود سالاری در محله دروی،

برای مادران و دختران محله، کلاس‌های آموزشی خانواده و مهارت‌های زندگی برگزار کرد. این دوره با هدف افزایش آگاهی خانواده‌ها و کمک به آن‌ها برای مواجهه بهتر با مسائل مختلف زندگی شکل گرفت. در این کلاس‌ها موضوعاتی مانند مهارت‌های ارتباطی، شناخت و انتخاب همسر، آمادگی‌های لازم پیش از ازدواج، مدیریت روابط خانوادگی و شیوه درست گفت‌وگو در خانواده مورد توجه قرار گرفت. برگزاری این دوره هافرصتی است تا مادران و دختران محله درباره دغدغه‌های خانوادگی و موضوعاتی که در مسیر ازدواج و زندگی مشترک با آن روبه‌رو می‌شوند، گفت‌وگو کنند و از نکات آموزشی بهره ببرند.





اعزام ۷ پاکبان به کوچه شهید کمالی ۵ برای رفت و روب اساسی



اهالی محله پنچتن از رها شدن فاضلاب خانگی در میانه یک معبر گلایه دارند

جای خالی اگو در کمالی ۵

محمد رضا فیضی | کوچه شهید کمالی ۵ در خیابان پنچتن ۵۵ را که وارد شوید، چند قدم بیشتر طول نمی کشد تا با صحنه ای غیر معمول و غیر بهداشتی روبه رو شوید: جوی قاشقی کم عرض که درست از میانه کوچه عبور کرده و آب های فاضلاب خانگی را با خود می برد. کوچه حدود یک کیلومتر طول دارد و هرچه جلوتر می رویم، حجم آب داخل جوی بیشتر می شود؛ در بخش هایی آب بالا زده و از مسیر خود بیرون آمده سطح آسفالت را خیس کرده است.



هم قدم

۴

ای کاش شهرداری همین جویی را که از وسط کوچه رد شده است، مثل کوچه هم جوار به یک سمت معبر منتقل می کرد تا شاهد پخش شدن آب های فاضلاب خانگی در سطح آسفالت نباشیم. محمدی کوچه بودن خانه های این کوچه را یکی از دلایل هدایت آب فاضلاب به بیرون از منازل می داند و می گوید: همسایه ها چاره ای ندارند که آب را به بیرون هدایت کنند. حیاط و منازل بعضی از آن ها خیلی کوچک است و متراژ بعضی ها به پنجاه متر هم نمی رسد. برای همین مجبورند فاضلاب خانگی را به بیرون از خانه هدایت کنند.

● گلایه از جمع نشدن زباله ها

صحبت های محمدی اما فقط به وضعیت جوی و فاضلاب محدود نمی شود. او از وضعیت نظافت کوچه هم گلایه دارد و به پاکبانی اشاره می کند که هر روز در این محدوده فعالیت دارد.

او در ادامه می گوید: این کوچه پاکبان دارد و هر روز اینجارا نظافت می کند. اما زباله هایی را که جار می زند، در گوشه و کنار کوچه دیو می کند و آن ها را به مکان دیگری منتقل نمی کند. اگر چند دقیقه اینجا بایستید، خواهید دید که زباله های سرچار و زیر چرخ خودروها و موتورسیکلت ها می رود و دوباره زباله هادر سطح کوچه پخش می شود.

● چشم انتظار اجرای وعده های عمرانی

شهرآرامحله مشکل اهالی کوچه شهید کمالی را به زودی از شرکت آب و فاضلاب و نیز اداره عمران و حمل و نقل پیگیری می کند. اگر آگودر این کوچه اجرا شود بخش زیادی از مشکلات زیست محیطی آن هم رفع خواهد شد.

در بخش رفت و روب نیز با مجید عبدی، کارشناس اداره خدمات شهری، موضوع را در میان گذاشتیم که در پی آن، تعدادی از پاکبانان به کوچه شهید کمالی اعزام شدند و عملیات رفت و روب و پاک سازی کوچه به صورت اساسی انجام شد.

● زمستان سخت در کمالی ۵

حدود صد متر از کوچه را طی می کنیم. یکی از بانوان محله را می بینیم که شلنگ آب را به دست گرفته است و جلودر خانه اش را می شوید. گفت و گوبا او خیلی زود به معضلی می رسد که برای اهالی این کوچه قدیمی تر از وضعیت فعلی جوی است: نبود شبکه فاضلاب یا همان طرح «اگو». معصومه حق دادی که حدود پانزده سال است در این کوچه زندگی می کند، از اجرانشدن طرح آگودر کوچه شان گلایه دارد و می گوید: کوچه های اطراف خانه ما همه آگودارند، اما در این کوچه هنوز اجرانشده است. پیگیری هم کرده ایم، اما پاسخ قانع کننده ای نگرفته ایم. گفته اند تا پایان سال ۱۴۰۶ قرار است اجرا شود، ولی امیدی به وعده های مسئولان نداریم که این اتفاق بیفتد.

نگرانی اهالی فقط به روزهای گرم سال و خیس بودن آسفالت محدود نمی شود. ساکنان کوچه تجربه هرساله روزهای سرد را هم پیش چشم دارند: روزهایی که همین آب، وقتی دمای هوا پایین می آید، می تواند سطح معبر را یخ زده کند. حق دادی در این باره می گوید: هر سال که هوا سرد می شود، اینجا مشکل سرخوردگی داریم. وقتی خودروها از داخل این جوی عبور می کنند، آب به اطراف پاشیده می شود و روی آسفالت می ماند. بعد که هوا سرد می شود، یخ می زند و برای دانش آموزان، کودکان، مادران و حتی خودروها و موتورسیکلت ها خطر ایجاد می کند.

● حداقل جوی را اصلاح کنند

هنوز صحبت های حق دادی تمام نشده که رسول محمدی، یکی دیگر از همسایه ها، با شنیدن حرف های ما خودش را به جمع می رساند و رشته کلام را به دست می گیرد. او از وضعیتی می گوید که به گفته خودش، آن قدر تکرار شده که دیگر برای اهالی عادی شده است: «ما که به این مشکل عادت کرده ایم و چاره ای نداریم. انگار درست شدنی نیست.

گفت و گو برای روشن تر شدن مسیر اراضی خطیب

جلسه بررسی وضعیت اراضی خطیب با حضور مدیران ارشد شهرداری مشهد، شهردار منطقه ۴ و نمایندگان مردمی برگزار شد. در این نشست، روند مطالعات طرح، درخواست های ساکنان و مسائل مربوط به خرده مالکین مورد بررسی قرار گرفت. مدیران شهری نیز بر ارائه راهکارهای عملی برای تسریع در تعیین تکلیف این محدوده تأکید کردند.

به استقبال دانش آموزان منطقه

پویش «لبخند مهر» با هدف آماده سازی مدارس و معابر پیرامونی برای آغاز سال تحصیلی جدید در منطقه ۴ در حال اجراست. هرس درختان، کاشت گل، رنگ آمیزی و نقاشی دیواری، خط کشی معابر، نصب تابلوهای ترافیکی و احداث سرعت کاه از جمله اقدامات این پویش است تا دانش آموزان، سال تحصیلی را در فضایی ایمن و شاداب آغاز کنند.

سامان دهی ساخت و سازها در پنچتن ۵۵

در ادامه نظارت بر ساخت و سازهای شهری، رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ در خیابان پنچتن ۵۵ منطقه ۴ اجرا شد. این عملیات با حضور عوامل اجرایی شهرداری و مجریان قانون انجام گرفت و حکم صادر شده درباره یک تخلف ساختمانی به اجراء درآمد. شهرداری منطقه ۴ بر تداوم نظارت ها و ضرورت دریافت مجوزهای قانونی پیش از هرگونه ساخت و ساز تأکید کرد.



شهر خبر

۴

گروه جهادی حضرت زینب (س) پایگاه خیزران، بخشی از جهیزیه زوج روشندل محله گلشور را تأمین کرد
سهیم شدن در آغاز یک زندگی شیرین

محمد رضا فیضی | هفته گذشته، گروه جهادی حضرت زینب (س) پایگاه خیزران در مسجد حضرت جواد الائمه (ع) با تأمین بخشی از جهیزیه یک زوج روشندل، قدمی برای آغاز شیرین زندگی مشترک آن ها برداشت. این گروه جهادی بخشی از لوازم مورد نیاز این زوج محله گلشور را شامل لوازم پلاستیکی و برخی وسایل آشپزخانه تهیه و اهدا کرد. ارزش این کمک ها بیش از ۲۰۰ میلیون ریال برآورد می شود.



مسیر جدیدی برای زباله ها

زهره زرکش فریمانی بانوی محله شهیدقربانی و کارشناس سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد است. او معتقد است مدیریت پسماند فقط جمع آوری و دور کردن زباله نیست؛ بخشی از آن به تغییر یک نگاه فراگیر مربوط می شود؛ «ما باید بدانیم هر چیزی که مصرفش تمام شده، الزاماً دورریختنی و بی ارزش نیست. هر بار که می خواهیم چیزی را دور بریزیم اول خوب نگاهش می کنیم تا مطمئن بشوم می شود دوباره آن را در راهی مصرف کرد یا نه. گاهی یک ماده دورریختنی می تواند وارد چرخه دیگری شود و در قالبی تازه دوباره ارزش پیدا کند. هنریکی از همین مسیرهاست.»

در خانه فریمانی، این تغییر نگاه را می توان در ظرف های مختلفی دید که هر کدام محل دیو یک نوع پسماند است. ظروفی مجزا برای هسته های کوچک سیب و گلابی، پوست تخمه، پوست تخم مرغ، کلاهی خرما، تفاله چای و... همه این ها مواد اولیه خلق یک اثر هنری اند. می گوید:

همه این ها را با حوصله جمع می کنم و بعد از شستن و تمیز کردن، خشک و آماده می شوند برای استفاده. در این مسیر همه اعضای خانواده کمک کار من هستند؛ به خصوص مادرم با صبر و حوصله پسماندهای تر را برای من آماده می کند. اتفاق جالب و حائز اهمیتی که می افتد این است که در خانه ما پسماند تر ارزش و اعتبار خودش را دارد. مثلاً در خانواده های دیگر اگر یک هسته کوچک سیب از دستشان بیفتد شاید اتفاق خیلی مهمی نباشد. اما من وقتی یک هسته سیب یا یک کلاهی خرما از دستم بیفتد تا پیدایش نکنم بی خیال نمی شوم.

قصه ای که از تفاله چای شروع شد

جلو می روم و از نزدیک نگاهی به آثار هنری زهره خانم می اندازم. آن ها از دور شبیه نقاشی هستند اما وقتی از نزدیک نگاهشان می کنم دیدن آن همه جزئیات و طرح و رنگ، آن هم بدون استفاده از ذره یا قلم مواد را به شگفتی می اندازد. جالب این است که هر کدام از ماده اولیه ای تقریباً مرتبط با ماهیت خودشان درست شده است. با استفاده از پوست تخمه و تابلو نیوتن، به خاطر نقش کشف جاذبه با هسته های سیب ساخته شده. اولین کار فریمانی ساخت پرتره لئوناردو داونچی با استفاده از تفاله کله مورچه بود. تابلویی که پس از نزدیک به ۶ سال، بافت آن هنوز بی عیب و نقص مانده است؛ «قصه این کار از زمان کرونا شروع شد. وقتی به خاطر شرایط دور از کار توی خانه بودم به فکر انجام چنین کاری افتادم. طرح راروی یک مقوای معمولی که اتفاقاً آن هم نوعی پسماند بود. کشف بعد از آنکه تفاله های چای را روی آن چسباندم. تمام هزینه این تابلو یک چسب بود و البته یک سال زمانی که برای ساخت آن گذاشتم. حتی برای انتخاب تفاله وقت صرف می کردم و بعد آن را در طرح جای می کردم و می چسباندم.»

بانوی محله شهیدقربانی از تجربه ۲۰ ساله اش در بازآفرینی دورریزها در دنیای هنرمی گوید

هنر دوباره دیدن
با چاشنی خلاقیت

سکینه تاجی اگر به شما بگویند چیزهایی که هر روز بدون لحظه ای درنگ، راهی سطل زباله می کنیم، می توانند ماده اولیه خلق یک اثر هنری باشند، چه واکنشی خواهید داشت؟ اگر بدانید، چیزهایی مثل تفاله چای، پوست تخمه، هسته میوه ها، پوست تخم مرغ، کلاهی خرما و حتی پوست میوه ها و برگ درختان، می توانند تکه هایی کوچک از یک نقش و طرح بزرگ در یک تابلو هنری باشند. باور می کنید؟ کافی است قبل از آنکه همه این چیزها را به نام زباله از جلو چشم هایمان دور کنیم، با اندکی مکت نگاه دوباره به آن ها بیندازیم. کاری که زهره فریمانی سال ها است مشغول انجام آن است و به دورریزهای معمولی یک خانه و آشپزخانه نه به چشم زباله که با نگاهی خریدارانه توجه می کند. با این اعتقاد که آنچه همه زباله و پسماند می نامند، هنوز ظرفیت بزرگی برای ادامه زندگی دارد. مسیری که می تواند پسماندها را از سطل زباله به روی بوم ببرد و از چیزی که قرار بود فراموش شود، اثری زیبا و ماندگار بسازد. این روایت کارمندی پرتلاش و مسئولیت پذیر است که معتقد است پسماند پایان راه نیست؛ شاید درست از جایی که ما آن را تمام شده می بینیم، بتوان برایش زندگی دیگری آغاز کرد.



اثر هنری
ابوالقاسم فردوسی
با استفاده از برگ درخت



اثر هنری
پرتره لئوناردو داونچی
با استفاده از تفاله چای

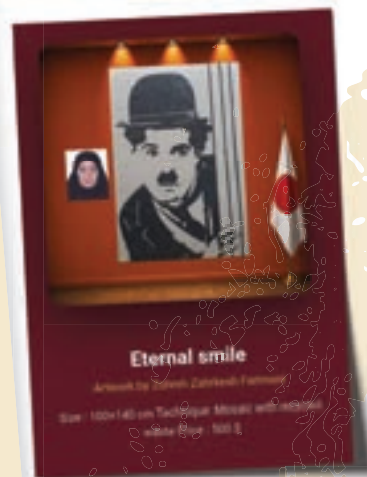


اثر هنری
چارلی چاپلین با
استفاده از پوست تخمه



سختی‌هایی که شیرین می‌شوند

مکت دوباره‌ای روی تابلو بایخند جاودانه چارلی چاپلین می‌کنم. اثری که به تازگی در یک نمایشگاه آثار هنری مجازی، مشترک میان ایران و ژاپن با عنوان «ساکورا» به نمایش درآمده است. «وقتی نمایشگاه آغاز به کار کرد و آثار به نمایش درآمده را دیدم، اکثر کارها نقاشی با متدهای مختلف بود. تنها کار متفاوت، همین تابلو کلاژ آن هم با استفاده از پسماند تر بود. کاری که شکر خدا باز خورد های بسیار خوبی دریافت کرد و به خصوص هنرمندانی از ژاپن در این رابطه با من ارتباط گرفتند و برایشان بسیار جذاب بود که چنین اثری فقط با استفاده از پوست تخمه خلق شده باشد. وقتی از من خواستند برای این اثر قیمتی تعیین کنم واقعا نتوانستم چون از نظر من این کار ارزشی و رای این مسائل دارد. اگر چه وقت بسیار زیادی برای ساخت آن‌ها صرف کرده‌ام و صبر و حوصله بسیاری هم در زمان انجام آن باید به خرج داد. اما باید بگویم در تمام لحظاتی که در حال ساخت این تابلوها هستم، گذشت زمان را حس نمی‌کنم و خستگی برایم بی‌معناست. حتی سختی‌های کار برایم بی‌اندازه شیرین است.»



رؤیای اجرای کلاژ پسماند در دانشگاه

فریمانی از همان زمان شروع کار تصمیم گرفت سراغ مشاهیر برود: شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف و در حوزه‌های مختلف. تا الان هر سال یک تابلو به این مجموعه اضافه کرده و حالا ایده‌های دیگری هم در ذهن دارد؛ ساخت تصویر رونالدو در حوزه فوتبال و انتخاب چهره‌هایی از حوزه‌های مختلف سینما، شعر و هنر. کاری که شاید تنها برای تفنن در عصر رکود و رخوت کرونا آغاز شد حالا به هدف و آرزویی بزرگ بدل شده است.

زهره خانم حالا به فکر برگزاری یک نمایشگاه انفرادی از این آثار است: نمایشگاهی که برای برپایی آن باید حداقل سی اثر آماده داشته باشد و از حالا به بعد، این هنر و علاقه با جدیت بیشتری از طرف او پیگیری می‌شود. اما هدف دیگری نیز در کار است: «در نظر دارم این شیوه خلق اثر با پسماند تر را به مرحله‌ای برسانم که در دانشگاه‌ها نیز به عنوان یک رشته هنری ارائه شود. همان طور که می‌دانید در هنر تصویرسازی و نقاشی، کلاژیکی از راه‌های ایجاد اثر هنری است. آرزویم این است که رشته‌ای جداگانه ایجاد شود که در آن استفاده از بافت و رنگ طبیعی پسماندها به عنوان مواد اولیه اصلی مورد استفاده قرار بگیرد.»

از نقاشی‌های کودکی تا دنیای پسماند

فریمانی اگرچه فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشگاه است، سرنوشت او را به راهی آورده که علاقه و موفقیتش در آن است. خودش تعریف می‌کند: از کودکی به نقاشی و هنر علاقه خیلی زیادی داشتم. یادم هست وقتی کلاس اول بودم و از ما می‌خواستند سر کلاس، نقاشی بکشیم به نقاشی بچه‌ها نگاه می‌کردم و می‌دیدم که آدم‌ها را چقدر معمولی می‌کشند. مثلاً آدم‌های توی نقاشی شان دست و انگشت نداشتند. اما من از همان ابتدا بدون هیچ آموزشی با جزئیات تمام نقاشی می‌کشیدم و خیلی علاقه داشتم. ورودم به رشته گرافیک به دلیل علاقه هنری‌ام بود و البته که از همان موقع، به کار ساخت کار دستی با انواع دورریزهای خشک مشغول بودم. همین علاقه باعث شد که از ابتدای جوانی وارد سازمان مدیریت پسماند شوم و به عنوان مربی در مدارس و فرهنگ سراها به آموزش کار دستی و فعالیت‌های خلاقانه با دورریزها مشغول شوم.

۲۰ سال برای تغییر یک نگاه

۲۰ سال فعالیت در حوزه کار با پسماند ها تجربه ارزشمندی برای فریمانی به ارمغان آورده. علاقه و فعالیت او به مرور از یک وظیفه شغلی فراتر رفته و تبدیل به بخشی از شخصیت او برای معنا بخشی به پسماند ها شده است: «در همه این سال‌های خدمت، کارهای زیادی انجام دادم. بسیاری اوقات بدون دریافت هزینه و به قول معروف برای دل خودم در مدارس و فرهنگ سراها و هر جایی که بشود با کودکان و نوجوانان ارتباط گرفت. دوره‌های مختلفی برگزار کردم تا اهمیت کار و مدیریت پسماند ها را به بچه‌ها بفهمانم. همه و همه به خاطر اثرگذاری در تغییر نگاه در فرزندان و در نسل بعد بوده است؛ صرفاً با این هدف که ارزش هر چیزی را درک کنند و حتی برای چیزی به نام پسماند برنامه‌ای برای زندگی بخشی دوباره بیابند. ترغیبشان می‌کردم که با وسایل دورریختنی هنر و خلاقیتشان را به کار بگیرند و برای تشویق آن‌ها از کارهایشان عکس می‌گرفتم و می‌فرستادم برای روزنامه‌ها.»

دلم برای پسماند تر می‌سوزد

از فریمانی می‌پرسم آیا می‌شود هر زباله‌ای را به عنوان مواد اولیه به کار برد. او در پاسخ به نوع نگاه آدم‌ها اشاره می‌کند: «این برای هر کسی متفاوت است. همه چیز برمی‌گردد به خلاقیت و ایده‌دهنی هر کس. شاید من با دیدن یک پسماند بتوانم چیزی را در ذهنم خلق کنم و دیگری چیز دیگری را. امامی توانم بگویم که از هر ماده‌ای می‌توان باز آفرینی جذاب و جدیدی ارائه کرد.» زهره خانم با احتیاط و ظرافت زیاد چسب راروی قسمت‌هایی از کاغذ که طرح اولیه رازده است، می‌ریزد و بعد با وسواس شروع به انتخاب تکه‌های خرد شده پوست تخم مرغ می‌کند. می‌پرسم، هدف از خلق این تابلوها در قدم اول، بحث زیبایی‌شناسی و هنری آن‌هاست یا نشان دادن اولویت استفاده از پسماند؟

این هنرمند بایخند دلسوزانه‌ای می‌زند. چند لحظه به مواد اولیه‌ای که از هر کدام مقداری روی مقوای کار خود ریخته است، نگاه می‌کند و بعد با اندکی ناراحتی می‌گوید: من دلم برای پسماند می‌سوزد، برای هر چیزی که بخواهد دور ریخته شود اما برای پسماند تر بیشتر دلم می‌سوزد. باز یافت می‌شوند یا در راه‌های دیگری به کار گرفته می‌شوند اما پسماند تر هنوز به جایگاهی که باید دست نیافته. راحت بخواهم بگویم: از نظر من خیلی مظلوم تر است. من می‌خواهم نشان بدهم که دور ریختن این‌ها درست نیست. دور ریختن این‌ها نادیده گرفتن هزاران رنگ و نقش است.»



اثر هنری اسحاق نیوتن
با استفاده از کلاهک خرما،
هسته سیب، پوست
تخم مرغ و تفاله چای

بازسازی خانه تخریب شده در محله شهید قربانی، یاری خیران را می‌طلبد

آرزوهای مدفون زیر آوار

۴



راه تجربه



فرزانه شهامت! «قربان مهربانی بشوم آقا! به همین زودی جوابم را دادی؟!» نجوای زنی است در آن نسوی خط، با امام رضا^(ع). چند لحظه ای طول می‌کشد. بانوی محله شهید قربانی، با بغض و بریده بریده می‌گوید که امروز، در اوج ناامیدی از کمک خیریه‌ها و دستگاه‌های امدادی برای بازسازی خانه آوار شده‌اش، دست به دامن امام هشتم^(ع) شده و اکنون، سوار اتوبوس و در مسیر بازگشت از حرم به سمت منزل است. او تماس تلفنی ما برای بازدید از خانه‌ای را که دیگر سرپناه نیست، نشانه رأفت آقا و گوش شنوای ایشان می‌داند. مریم خانم امیدوار است صدایش را به گوش اهالی خیران پیش محله برسانیم و آن‌ها برای سامان دادن این زندگی بی سامان یاری‌اش کنند.

آرزوهای ویران

خانه پنجاه و هشت متری بی سرو سامانی بود که خشت‌هایش را حسین آقا و مریم خانم، روی هم گذاشته بودند. نه حالا که گذر روزگار با طعم نداری، شکسته‌شان کرده است؛ بلکه سی سال پیش که جوان‌تر بودند و زور بازویی داشتند. در این سال‌ها، مریم خانم با کار در خانه‌های مردم و حسین آقا با جمع کردن ضایعات، چرخ زندگی را با هر زحمتی که بود می‌چرخانده‌اند. اگر ایام به کام بود و پولی برایشان می‌ماند، خرج گوشه‌ای از در و دیوارش می‌کردند تا شبیه خانه‌های معمولی شود یا که اثاثیه‌ای می‌خریدند تا چهار فرزندشان در رفاه نسبی زندگی کنند. هر چه بود، رضایت داشتند از تمام داشته‌هایشان و برنامه‌ریزی کرده بودند برای کاستن از نداشته‌هایشان.

مریم خانم، خسته از یک روز دوندگی بی‌ثمر می‌گوید: می‌خواستیم یکی از تیغه‌های خانه را برداریم و حیاط کوچکی را بکنیم مغازه. یک مقدار سیب زمینی و پیاز و گوجه بیاوریم برای فروش تا شوهرم با این دیسک کمر، برای پیدا کردن ضایعات، آواره کوچه و خیابان نباشد. بعد هم دست پسرمان را بندکنیم توی این کار.

مکت می‌کند و با آهی عمیق اضافه می‌کند: فردای شبی که تیغه را بتا خراب کرد، یکدفعه سقف، روی سرمان ریخت و همه چیز خراب شد، هم خانه و هم آرزوهایمان.

جایی میان امید و ناامیدی

یکشنبه پیش، حوالی ۹ صبح، سقف این خانه دو طبقه، به یکباره فرو ریخت، طوری که اکنون از تمام این خانه، تنها یک چار دیواری و تلی از آوار باقی مانده است. با وسایلی مدفون که تک‌تکشان باز حمت، خریداری شده بودند. حسین آقا با زانوهای که آن‌ها را از غصه در بغل گرفته است، می‌گوید: صد آن قدر بلند بود که ابتدا فکر کردم بمب منفجر شده است. دخترم زهره، می‌خواست خواهرش فاطمه را که بیماری ویلسون دارد، نجات بدهد که پایش گیر کرد و هر دو زیر آوار مانده بودند. همچنین پسر و عروس هم که طبقه بالا بودند، دو تا دخترها را به هر بدبختی بود در آوردیم. پسر و عروس را با آتش‌نشانی نجات دادند و اوژانس آن‌ها را برد بیمارستان.

از آن روز تا حالا، کار مریم خانم شده است رفتن به این اداره و آن خیریه. نتیجه‌اش فقط، مهر تأیید کلانتری پنجتن و آتش‌نشانی

هفت روز هفته، تشنج می‌گیرد. «مریم خانم این‌ها را در حالی می‌گوید که باتکان دادن گوشه چارقد، تلاش می‌کند هوای دم کرده این اتاق بدون پنکه را از خود دور کند.

این فضای پانزده متری را یکی از خیریه‌های محله، به رایگان در اختیار خانواده قرار داده است تا از آوارگی نجات پیدا کنند؛ اتاقی بایک اجاق گاز کوچک و چند تکه ظرف که گرمای هوا، به جای تمام امکانات نداشته آن، نشسته است.

او ادامه می‌دهد: به چند تا اداره سر زدم. گفتند بوجه‌ای برای کمک به ما ندارند. ظهر بود که ناامید و هلاک از خستگی، رسیدم به بالا خیابان. برای سوار شدن به اتوبوس و آمدن به خانه، باید خودم را می‌رساندم به ورودی طبرسی.

یک نفر گفت از داخل حرم برو. به خودم آمدم و دیدم ورودی شیرازی ایستاده‌ام. چادر نداشتم و چون در ورود و خروج یکی نبود، از چادرهای حرم نمی‌توانستم امانت بگیرم. یک‌هویکی از زائران آقا که مشهدی هم نبود، چادر زیبا و نو خودش را به من هدیه داد و فقط گفت: «دعایم کن».

با شوق اضافه می‌کند: آقا من را طلبیده بود انگار. رفتم داخل صحن و حال و روز پریشانم را برای حضرت تعریف کردم. ممنونشان هستم که بین آن همه خستگی، به من پناه دادند و با دوسه لیوان آب خنک از آب‌خوری‌های حرم، حالم را خوب کردند. بعد هم که شما زنگ زدید و گفتید از روزنامه‌اید. ماکس و کاری نداریم و نمی‌دانیم باید چه کار کنیم. محض رضای خدا صدایمان را به اهالی محله برسانید.

جایی برای خیرخواهی

عباس بوژمهرانی، عضو شورای اجتماعی محله شهید قربانی، در گفت‌وگو با ما از پیگیری‌هایی می‌گوید که برای رسیدگی به وضعیت این خانواده نیازمند، انجام شده است. او می‌گوید: مهم‌ترین نیاز خانواده، داشتن سرپناه بود. فضایی داشتیم در خیریه حضرت خدیجه^(س) و ایستاده به هیئت قمر بنی هاشم^(ع) که به صورت موقت، در اختیارشان قرار داده‌ایم.

او ادامه می‌دهد: به جز اقلام غذایی که برایشان فراهم کرده‌ایم، در گروه مجازی هیئت، به اعضا فراخوان داده‌ایم تا هر کس در حد توانش، باری از دوش خانواده بردارند اما واقعیت این است که هنوز، حجم کمک‌ها با میزان نیاز خانواده، فاصله زیادی دارد. عضو شورای اجتماعی محله شهید قربانی از خیران می‌خواهد برای کمک به این خانواده، پیش قدم شوند.

بر اصل حادثه بوده است فقط. او نمی‌داند با این تأییدیه مهر و امضا شده، دیگر باید به کجا برود تا مثل دو نهادی که دست رد به سینه‌اش زدند، پاسخ منفی دریافت نکند. دل‌نگران است برای سه قلم از داروهای فاطمه که تمام شده‌اند، همین‌طور برای وسایل زیر آوار، پاییز در راه و آینده‌ای مبهم که تنها نقطه روشن آن، امید به خدا و عنایت امام هشتم^(ع) است؛ درست مثل زیارت ناگهان امروز که با چشم‌هایی خیس، ماجرایش را تعریف می‌کند تا برای بار چندم به خودش یادآوری کند که آقا حواسشان به همه چیز هست.

دلخوش به زیارت امام رضا^(ع)

۷ صبح، فاطمه را سپردم به خواهرش. توی این ۲۸ سالی که مراقبش هستم، فهمیده‌ام تشنج کردن‌هایش، حساب و کتاب ندارد و یکی دائم باید مراقبش باشد. یک بار می‌بینی چند روز پشت سر هم، تشنج به سراغش نمی‌آید، گاهی هم می‌بینی که





درباره طرحی که برای تأمین کیف و نوشت افزار دانش آموزان نیازمند محله در حال اجراست

همدلی اهالی رده برای «آینده سازان»

حجت الاسلام والمسلمین حمید خدادادی، نماینده امور مساجد در شورای اجتماعی محله رده و امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی (ع) در خیابان میثم شمالی می گوید.

او ادامه می دهد: از هفده مسجد محله، ۱۰ مورد پای کار آمده اند. ائمه جماعات مساجد، از فرصت بین دو نماز استفاده می کنند و با نمازگزاران درباره دانش آموزان نیازمند، صحبت می کنند. از آنجایی که مسجد امام حسن مجتبی (ع) به عنوان مسجد محوری در اجرای طرح، انتخاب شده است، یکی از کارت های به نام مسجد، به دریافت کمک های مردمی برای این طرح، اختصاص پیدا کرده است. علاوه بر این، کارت خوان سیار هم در مساجد، گردانده می شود تا نمازگزاران با سهولت، کمک هایشان را واریز کنند.

● کرامت والدین، عزت نفس دانش آموزان

مراسم رسمی در کار نخواهد بود. نوشت افزارها طی ریزنی های انجام شده با یکی از بنکداران نوشت افزار، پس از خرید بسته بندی، به همان واسطه های معتمدی تحویل می شود که دانش آموزان نیازمند را شناسایی کرده بودند. آن ها هم بسته ها را با حفظ کرامت والدین و عزت نفس دانش آموزان، به پدر و مادرها تحویل می دهند تا آن ها به دست خود، تقدیم فرزندانشان کنند. آن طور که مسئولان طرح می گوید مبلغ جمع شده تا لحظه تنظیم این گزارش، حدود ۳۰ میلیون تومان است و تک تک کسانی که در تأمین آن مشارکت کرده اند، امید دارند حسرت کیف و نوشت افزار به دل هیچ کدام از دانش آموزان نیازمند محله نماند.

داده بود که روی کمک خیران محلی می شود حساب باز کرد. طرح آینده سازان این طور متولد شد. «گام اساسی برای به ثمر رسیدن طرح، شناسایی دقیق دانش آموزان نیازمند بود. او در این باره می گوید: برای داشتن این بانک اطلاعاتی، از مساجد، مدارس، پایگاه های بسیج و هیئت های مذهبی محله، کمک گرفتیم. حدود صد دانش آموز، شناسایی شدند و در فهرست دریافت کمک ها قرار گرفتند. اطلاع رسانی به مردم و مجاب کردن آن ها برای بذل مالشان در این راه، گام بعدی بود که گره آن به دست مساجد، باز می شد.

● ۱۰ مسجد پای کار

«پارسال، تجربه اجرای طرح مشهد مهربان و آزاد کردن یکی از زندانیان جرائم غیر عمد محله، نوید می داد که این بار هم منابع مالی برای اجرای طرح آینده سازان، تأمین خواهد شد.» این را



فرزانه شهامت | هر کدام قصه ای برای گفتن دارند که می تواند به غصه ای گلوگیر تبدیل شود. یکی پدر را در سانحه تصادف از دست داده است و مادر با جان کندن دارد هزینه های زندگی را در این اوضاع اقتصادی جفت و جور می کند. آن یکی، فرزند طلاق است و پدر بزرگ از کار افتاده اش باید جور مخارج او را بکشد. دیگری تا چشم باز کرده، با بارایای بساط نشنگی دیده است و... هر سال، شوق فرارسیدن مهرماه برای دانش آموزان نیازمند محله رده، در جدال با نگرانی بابت نداشتن حداقل های تحصیل، همراه است. امسال اما، نیکوکاران محله، با طرحی که «آینده سازان» نام گرفته است، عزم خود را جزم کرده اند حسرت کیف و نوشت افزار در قلب هیچ یک از صد دانش آموز نیازمند شناسایی شده، جایی نداشته باشد.

● کاشت کوچک، برداشت بزرگ

کار خیر، برکت دارد؛ درست مثل جوانه ای کوچک که زودتر از تصور، رشد کند و به گیاهی بالنده تبدیل شود. آن طور که سید مصطفی حسینی، رئیس شورای اجتماعی محله رده می گوید، طرح آینده سازان نیز در روزهای نخست خود به وسعت و پختگی امروز نبود؛ یک ماه پیش، کار را کلید زدیم. ابتدا نیتمان در همین حد بود که از ظرفیت تولیدی های کیف در خیابان شهید حسینی محراب، برای تأمین کیف تعدادی از دانش آموزان نیازمند استفاده کنیم. بعد با خودمان فکر کردیم چه خوب است در این کیف ها، نوشت افزار ضروری برای آغاز سال تحصیلی را هم بگذاریم. تجربه نشان

● چند سال است تابستان سرکار می روی؟

تابستان سوم است. قبلاً خیاطی و نانوایی فانتزی کار کرده ام. الان دارم دی اف کاری رایانمی گیرم.

● کاراته، در آینده شغلی که برای خودت ترسیم کرده ای، جایی دارد؟

تا چند سال دیگر که مدرک مربیگری را بگیرم، می توانم باشگاه بزنم. کاراته تا قبل از این مرحله، جنبه درآمدزایی ندارد و باید برای باشگاه و شرکت در مسابقات هزینه کنی.

● هزینه ها قابل توجه است؟

برای مسابقات برون مرزی که در بقیه کشورها برگزار می شود، بله. همه هزینه را باید خود هنرجو و خانواده اش پرداخت کنند و این طور نیست که از طرف فدراسیون، حمایت مالی باشد. من فرصت های زیادی داشتم برای شرکت در مسابقات خارج از کشور که به خاطر همین قضیه، منصرف شدم.

● مهم ترین مشوق هایت برای ادامه مسیری که در پیش گرفتی، چه کسانی هستند؟

در درجه اول، پدر و مادرم که همیشه، حمایت کردند و هزینه های باشگاه و حضور در مسابقات را پرداخت کردند. بعد هم استادم، آقای ظفرانلو که کاراته را با ایشان فهمیدم.

● خوشترین خاطراتی که از فعالیت در این رشته، در ذهنت مانده، چیست؟

شرکت در مسابقات که در استان های دیگر برگزار می شود، برایم خاطره انگیز است. اینکه به همراه استادم و بقیه هنرجوها، گاهی با قطار و گاهی با اتوبوس به شهرهای مختلف مثل قم، بابل، اصفهان و تهران رفتیم. فضای جمع ماورزشی، دوستانه و شاد است.

امید محله بلال، در میدان ورزش، تحصیل و مهارت آموزی موفق است

بدون توقف، در مسیر یادگیری

امید محله

● صاحب چه کمربندی هستی؟

دان ۲ مشکی را دارم.

● این رشته را تا کجا ادامه می دهی؟

به جای اینکه در جواب شما بگویم «تا آخرش»، بهتر است بگویم «تا همیشه»؛ چون کاراته، پایانی ندارد. حتی استادم، شیهان حامد ظفرانلو، هم می گویند: مانده است تا کاراته را یاد بگیرم.

● علاقه تو به یاد گرفتن، خلاصه می شود در کاراته؟

نه. من رشته دبیرستانم را تربیت بدنی انتخاب کرده ام. در این رشته، اصول رشته های مختلف ورزشی را دارم یاد می گیرم و معلم همیشه ۱۷ به بالاست. حتی تابستان ها که مدرسه تعطیل است، دنبال یاد گرفتن شغل های مختلف هستم.



● قصه آشنایی ات با کاراته چطور رقم خورد؟

تابستان سالی که کلاس پنجم ابتدایی را تمام کردم، بیکار بودم و حوصله ام سر رفته بود. برای گذراندن اوقات فراغت رفتم باشگاه ثبت نام کنم. رشته های ورزشی مختلفی داشت. توی اینترنت گشتم و خوبی های هر کدام را خواندم. از کاراته بیشتر خوشم آمد و ثبت نام کردم.

● این رشته، چه نکته های مثبتی داشت؟

اینکه باعث می شود ورزشکار، به خاطر انجام حرکات کششی، قد بلند شود. دفاع شخصی دارد. آمادگی جسمانی دارد. مبارزه و حرکات نمایشی هم دارد.

● کاراته، در واقعیت به همان خوبی بود که در موردش خوانده بودی؟

بله. همان ماه اولی که رفتم باشگاه، آن قدر از کاراته خوشم آمد که مطمئن شدم می خواهم آن را ادامه بدهم. تمام خوبی های این رشته را دارم می بینم الان؛ مثلاً قدم به ۱۸۵ سانتی متر رسیده است.

طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی، مهرگان



مسجد قمر بنی هاشم (ع) سال ۱۳۵۸ در این
کوچه بنا شده است. ارائه مشاوره‌های حقوقی،
تأمین و توزیع مواد غذایی میان نیازمندان و برگزاری
برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، از جمله فعالیت‌های
این مسجد است.

برادرزاده شهید «محمدرجبی زاده عطار» سال هاست
در این کوچه مغازه دارد؛ گوشه‌ای از مغازه تصویر
عمویش که سال ۱۳۶۴ به شهادت رسیده را در کنار
سربازان ایرانی تخت جمشید جانمایی کرده است؛ قاب
متفاوتی که پیوندی میان گذشته پرافتخار ایران و یاد
شهید این محله ایجاد کرده است.



کوچه‌ای که آرام آرام به شهر پیوست

محمدرضا فیضی | کوچه طبرسی شمالی ۲۴، مزین به نام شهید «محمدرجبی زاده عطار»، یکی از معابر
قدیمی این محدوده است؛ مسیری حدود ششصد متری که بولوار طبرسی شمالی را به خیابان شهیدان
نظام دوست متصل می‌کند و به دلیل مسیر مستقیم و بدون پیچ و خم، تردد زیادی در آن جریان دارد.
هویت این کوچه اما به رفت و آمد امروز محدود نمی‌شود. قدمت بخش زیادی از خانه‌های آن به حدود
چهل سال پیش می‌رسد. دهه ۶۰ در ابتدای کوچه، چاه عمیقی وجود داشت که آب مورد نیاز خانه‌ها و
زمین‌های کشاورزی را تأمین می‌کرد. از دهه ۶۰ به بعد، ساخت و سازهای بیشتر شد و زمین‌های کشاورزی
به تدریج جای خود را به خانه‌های مسکونی دادند.

کوچه طبرسی شمالی ۲۴
محله طبرسی شمالی



با وجود اجرای طرح آگو در این کوچه،
برخی شهروندان همچنان فاضلاب خانگی
را به داخل جوی معبرها می‌کنند و مشکلات
زیست محیطی برای شهروندان به وجود
آورده‌اند.

تایک ماه پیش، رفت و آمد در این کوچه به دلیل
حفاری‌های طرح آگو و ناهمواری‌های ایجاد شده،
چندان آسان نبود. اما حالا شهرداری کوچه را آسفالت
یکدست کرده، اقدامی که رضایت و خوشحالی ساکنان
را به همراه داشته است.



ساخت و سازهای غیراصولی در این معبر و
کوچه‌های اطراف، موجب شده بسیاری از خانه‌ها
بدون پارکینگ باشند. خودروها و سویی کوچه پارک
می‌شوند، طوری که تنها امکان تردد یک خودرو از
میان خودروهای پارک شده وجود دارد.